

افق حزب‌الدعوه در آینده سیاسی عراق پس از سال ۲۰۲۰

محمدباقر حکیم^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و سوم، شماره ۳، پیاپی ۹۱، پاییز ۱۴۰۱؛ صفحات ۷۹ - ۵۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

چکیده

استقرار حکومت عراق پس از سال ۱۳۸۱ و قدرت گرفتن شیعیان در نقطه مرکزی حکومت، ساختار جدیدی را در حوزه سیاسی عراق پدید آورد؛ به طوری که این ساختار مورد حمایت و مخالفت برخی گروه‌های داخلی و خارجی قرار گرفت. قدرت گرفتن شیعیان به عنوان نقطه محوری ساختار سیاسی نوین عراق در کنار اهل سنت و کردها در این کشور، پیامدهای مختلفی برای عراق داشت. این پیامدها در برهه‌های مختلف زمانی، با خون، اشغال کشور و خشونت‌های بسیار زیادی همراه بود. بعد از قدرت گرفتن شیعه، گروه‌های سیاسی حزب‌الدعوه، مجلس اعلی و جریان صدر، یعنی مهم‌ترین گروه‌های سیاسی شیعه در ساختار جدید عراق نقش فعالی ایفا کردند. در این بین، حزب‌الدعوه مهم‌ترین نقش را در آن برهه تاریخی به عهده داشت؛ به طوری که ابراهیم جعفری، نوری مالکی، حیدر العبادی و محمد شیاع سودانی به این گروه (حزب‌الدعوه) وابسته بودند و در سال‌های مختلف به عنوان شخص اول حکومت عراق حضور داشته و تأثیر زیادی در حوزه سیاسی عراق داشتند. موضوع اصلی پژوهش حاضر، «بررسی نقش حزب‌الدعوه و آینده این گروه در ساختار سیاسی عراق» است. در این پژوهش تلاش شده است تا حزب‌الدعوه از زمان تأسیس تا رسیدن به قدرت و آینده آن با توجه با نقاط قوت و ضعف بررسی شود.

واژگان کلیدی

حزب‌الدعوه، احزاب شیعه، نخست‌وزیری، عراق

مقدمه

اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۱) و سقوط صدام نقطه عطفی در تاریخ معاصر این کشور محسوب می‌شود. به طوری که ساختار سیاسی و اجتماعی عراق با اشغال این کشور توسط آمریکا دگرگون شد. آمریکا به بهانه‌های مبارزه با تروریسم، وجود سلاح‌های کشتار جمعی و ترویج دموکراسی با توان نظامی خود در سال ۱۳۸۱ برخلاف نظر سازمان ملل و بسیاری از کشورها به کشور عراق حمله کرد، پس از ۲۱ روز بر این کشور مسلط شد، نظام حزب بعث در عراق را ساقط و با تشکیل شورای حکومتی توسط رهبران عراقی از قومیت‌های مختلف زیر نظر حاکم آمریکایی فصل جدیدی از تاریخ عراق را آغاز کرد. در حال حاضر، تاریخ‌نگاران عراق عرصه سیاسی معاصر را در دو مرحله بسیار مهم و اساسی می‌دانند؛ به طوری که در این دو مرحله پایه‌های اساسی ساختار سیاسی عراق تغییر پیدا کرد: دوره اول، اشغال عراق توسط نیروهای انگلیسی در سال ۱۲۹۳ هم‌زمان با جنگ جهانی اول؛ و دوره دوم، اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی در سال ۱۳۸۱.

گروه حزب الدعوه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین احزاب معاصر عراق توانست براساس پیشینه، تاریخ سیاسی و مقاومتی که دارد، در چند دوره نخست‌وزیری را در عراق جدید به‌دست آورد و به‌عنوان یک بازیگر قوی داخلی نقش ایفا کند. این حزب که در تاریخ معاصر عراق ریشه دارد، توانست با توجه به پیشینه و افراد تأثیرگذار خود در ساختار سیاسی عراق بسیار مؤثر باشد و با توجه به روابط داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که داشت، پست نخست‌وزیری کشور عراق را پس از سال ۱۳۸۳ در اختیار بگیرد. در این پژوهش به‌دنبال آن هستیم تا به‌صورت تاریخی، حزب الدعوه را بررسی و نقاط قوت و ضعف این گروه را احصا کنیم و سپس با توجه به جامعه امروز عراق و نقاط قوت و ضعف عراق آینده، حزب الدعوه را در آینده سیاسی عراق پیش‌بینی کنیم.

سابقه تاریخی حزب الدعوه: جریانی فکری و سیاسی

در بین حزب‌های شیعه معاصر عراق، حزب دعوه را باید قدیمی‌ترین حزب و جریان سیاسی شیعه معاصر عراق به‌شمار آورد. این جریان سیاسی که به رهبری افرادی چون شهید محمدباقر صدر، سیدمهدی حکیم و سیدمرتضی عسکری تأسیس شد، تشکیلاتی بین‌المللی بود که نخبگان سنی و شیعه از کشورهای مختلف منطقه را درون خود جای داده بود. بسیاری از شخصیت‌های مؤثر در پاکستان، لبنان، بحرین و عربستان، در گذشته نیز

عضو این حزب بودند. تشکیلات حزب در سال‌های شکل‌گیری و مبارزه علیه بعث روابط گرمی با اخوان المسلمین داشت و در طرح‌هایی مانند حکومت اسلامی مشابهت‌هایی با هم داشتند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان در آن سال‌ها، آن را - با کمی تسامح - اخوان المسلمین شیعه قلمداد کرد. حزب الدعوة اسلامی را می‌توان یکی از سازمان‌های سیاسی اسلام‌گرای شیعه در عراق دانست که ابتدا در قامت یک جنبش مذهبی اصلاح‌طلب پدیدار شد و سپس به‌ترتیب به ارزش‌های اسلامی، افزایش آگاهی سیاسی و مقابله با سکولاریسم نیز پرداخت. در دهه ۱۹۷۰، با افزایش نفوذ این حزب میان جوانان و شخصیت‌های مذهبی و سرکوب آن از سوی حکومت، حزب الدعوة به جریانی انقلابی تبدیل شد که به مقاومت مسلحانه در برابر حکومت می‌پرداخت. دشمنی حزب الدعوة با حکومت صدام، پس از شهادت محمدباقر صدر، رهبر معنوی این جنبش در سال ۱۳۵۸ به اوج خود رسید. حزب الدعوة یکی از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی موجود در عراق است که به استاد ادبیات و اظهارات اعضای آن، در اواخر دهه ۵۰ میلادی در شهر مقدس نجف عراق تأسیس شد. البته این تاریخ را علی مؤمنی ذکر کرده است؛ در حالی که «حنا بطاطو» تأسیس آن را دهه ۶۰ میلادی و «عبدالله نفیسی» و «احمد موصلی» تاریخ تشکیل آن را سال ۱۹۷۰ می‌داند (موصلی، ۱۹۸۸).

اگرچه درباره تاریخ تأسیس حزب الدعوة اختلاف نظر وجود دارد، اما با توجه به واقعیات جامعه عراق همگان بر این باورند که ظهور حرکت حزب پس از انقلاب ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم بود. اما حزب الدعوة فعالیت علنی خود را پس از به قدرت رسیدن حزب بعث در سال ۱۳۴۶ آغاز کرد. حزب الدعوة در اساسنامه‌اش خط‌مشی خود را «انقلابی» اعلام کرده است. تحقیق حاضر اهداف این حزب را به چهار مرحله تقسیم کرده است:

- مرحله تغییر، بنا و تحول‌خواهی: در این مرحله، اعضای حزب با تغییر در اندیشه و سلوک خود تعالی می‌یابند تا بتوانند به هدایت و ارتقای سطح آگاهی مردم بپردازند؛
- مرحله کار مستقیم سیاسی: حزب الدعوة با دو شیوه سیاسی و مسلحانه با رژیم بعثی حاکم به مقابله برمی‌خیزد؛

- مرحله انقلابی: در این مرحله، هدف اصلی براندازی رژیم بعثی حاکم از طریق مبارزه مسلحانه و تشکیل حکومت اسلامی بوده است؛

- مرحله حاکمیت - دستیابی به قدرت (حضور در عرصه قدرت سیاسی): در این مرحله، حزب باید ارکان نظام اسلامی را تشکیل دهد و احکام این شریعت را اجرا و بر اعمال آن نظارت کند. در این

مرحله، شکل حکومت و ساختار آن بر اساس شریعت اسلامی و تأمین منافع مسلمانان تعریف شده است. همچنین قانون اساسی ملهم از شریعت اسلامی تدوین می‌شود (افشون، ۱۳۹۵: ۶۸).

جذب نخبگان

هسته مرکزی حزب الدعوه اعتقاد داشت که باید جوانان نخبه را با مشخصات لازم پیدا کرد. سپس این جوانان توسط هسته‌های تخصصی عقاید و تفکر خود را با حزب همسو کنند و در نهایت، به‌عنوان عضو این حزب شناخته شوند. البته باید گفت در زمان حزب بعث، این اقدامات توسط افراد نخبه و به‌صورت بسیار سری انجام می‌شد. حزب الدعوه جوانان، طلبه‌های حوزه و دانشجویان را مخاطب اصلی خود می‌دانستند و تلاش می‌کردند به‌صورت بسیار مخفیانه هسته‌های خود را توسط این قشرها تشکیل دهند.

مهم‌ترین تحولات حزب

- کناره‌گیری سیدمحمدباقر صدر

در ۱۳۳۹ش/۱۹۶۰م، دولت عراق از فعالیت‌های حزب الدعوه به رهبری سیدمحمدباقر صدر آگاه شد. آیت‌الله حکیم از سیدمحمدباقر صدر و فرزندانش سیدمهدی و سیدمحمدباقر خواست که از فعالیت در حزب و انتساب به یک جریان خاص سیاسی بپرهیزند. از این رو، آنان از حزب الدعوه کناره‌گیری کردند (عاملی، ج ۱: ۴۲۰-۴۲۵). پس از کناره‌گیری آنها، «سیدمرتضی عسکری» رهبر حزب الدعوه شد. اما در ۱۳۴۲ش/۱۹۶۳م سیدمحسن حکیم مأموریتی تبلیغی به وی محول کرد. از این رو، او از عضویت در حزب استعفا داد و «محمدهادی سبیتی» به رهبری آن برگزیده شد.

- دستگیری اعضای حزب

پس از ریاست جمهوری عبدالرحمن عارف در ۱۳۴۵ش/۱۹۶۶م، نفوذ حزب در سراسر عراق، به‌ویژه در دانشگاه‌ها افزایش یافت؛ اما با قدرت یافتن جناح افراطی حزب بعث و ریاست جمهوری احمد حسن البکر در ۱۳۴۷ش/۱۹۶۸م، فعالیت احزاب و گروه‌های شیعه، از جمله حزب الدعوه محدود شد و بسیاری از فعالان سیاسی دستگیر و زندانی شدند (مؤمن، ۲۰۰۴: ۷۸). در مرداد - شهریور ۱۳۵۰ش/ سپتامبر ۱۹۷۱م، رژیم بعث «عبدالصاحب دخیل»

نفر دوم حزب را دستگیر کرد. دخیل پس از شکنجه کشته شد. سال بعد، محمد صالح ادیب، مسئول شاخه کربلا و چند تن دیگر نیز دستگیر شدند و محمدهادی سیبیتی و محمدمهدی آصفی، مسئول شاخه نجف، از عراق گریختند (مؤمن، ۲۰۰۴: ۷۸).

اعضای برجسته حزب در عراق و لبنان برای فعالیت مجدد، اعضای جدید رهبری را به ریاست شیخ عارف بصری انتخاب کردند. اما در ۲۶ تیر ۱۳۵۳ ش ۱۷/ ژوئیه ۱۹۷۴م شیخ عارف بصری و شماری از اعضای رهبری دستگیر و اعدام و برخی دیگر به حبس ابد محکوم شدند.

- شهادت سیدمحمدباقر صدر

علامه شهید، آیت الله سیدمحمدباقر صدر، یکی از بزرگترین اندیشمندان مسلمان - و به تعبیر امام خمینی: «مغز متفکر اسلامی» - بر بلندای اندیشه و جهاد در تاریخ اسلام، به ویژه در قرن چهاردهم هجری است. ایشان فقیهی جامع شرایط، فیلسوفی اجتماعی، مفسری بزرگ، متفکری آگاه به فرهنگ و علوم زمان خود، نویسنده‌ای توانمند و پرکار و سیاستمداری هوشمند و شجاع و دردمند بود.

سیدمحمدباقر صدر در تاریخ ۲۵ ذیقعده ۱۳۵۳ در شهر مقدس کاظمین دیده به جهان گشود. او دومین فرزند خانواده بود (حائری، ۱۴۰۷: ۳۳). اجدادش همه از عالمان دین بودند. پدرش سیدحیدر جوان مرگ شد و پدر بزرگش، آیت الله العظمی سیداسماعیل صدر، یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعه در نیمه اول قرن ۱۴ بود که در سال ۱۳۳۸ ق. فوت کرد. سایر اجدادش نیز شاخه‌هایی سرسبز و پر بار از شجره پر برکت «خاندان صدر» و از تبار غیرتمند و پاک امام کاظم - علیه السلام - بوده‌اند و در سرزمین ایران، لبنان و عراق از پاسداران فرهنگ، اندیشه، دانش و دین به‌شمار رفته‌اند. برادر بزرگ و معلمش، سیداسماعیل، نیز از علما و مجتهدان پر تلاش و جوان نجف بود که در سال ۱۳۸۸ ق. در ۴۸ سالگی درگذشت. خواهرش «آمنه بنت الهدی صدر» یکی از زنان دانشمند، شاعر، نویسنده و معلم فقه و اخلاق بود که در مسیر جهاد و مبارزه، با برادرش سیدمحمدباقر همگام شد و سرانجام سرنوشت هر دو به شهادت و سعادت ابدی ختم گشت (قلی‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۸). سیدمحمدباقر از پنج سالگی به مدرسه رفت و تا یازده سالگی دوره ابتدایی را به اتمام رساند. در این دوران، نبوغ شگفت‌انگیز و استعداد سرشار خدادادی در او درخشید و تعجب آموزگاران و همکلاسی‌های خود را برانگیخت؛ طوری که اولیای



مدرسه تصمیم گرفتند او را به مدرسه کودکان تیزهوش و نابغه بگذارند تا به هزینه دولت درس بخواند و پس از طی مراحل لازم و قانونی، به دانشگاه‌های اروپا یا آمریکا اعزام شود و در رشته‌های علوم جدید تحصیل کند و به کشور خود بازگردد. او به تحصیل علوم دینی و پرداختن به رشته کاری پدرانش گرایش داشت و از طرفی، مادر و برادر بزرگش رضایت ندادند که او با پول دولت وابسته به غرب و دست‌اندرکاران خودباخته آموزش و پرورش آن روز عراق، درس بخواند. سرانجام با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش آیت الله «شیخ محمدرضا آل یاسین» و آیت الله «شیخ مرتضی آل یاسین» به فراگیری دروس حوزوی و علوم دینی پرداخت (قلی‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۸-۱۷).

سیدمحمدباقر صدر یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های دینی در تأسیس گروه سیاسی - انقلابی شیعه بود. اعضای حزب الدعوة اعتقاد داشتند که ایشان به‌عنوان پدر معنوی حزب شناخته می‌شود. افکار و آموزه‌های ایشان چراغ راهی برای مبارزان سیاسی برضد نظام حزب بعث بود. پس از اینکه حزب بعث در اجتماع آن روزهای عراق، تأثیر این مرد دینی را بین شیعیان مشاهده کرد، آرام آرام کوشید تا از تأثیرگذاری این مرد در بین مردم بکاهد.

در سال ۱۳۹۲ ق. رژیم بعث عراق، بیش از پیش از تحریک‌های ضداستبدادی حزب دعوت اسلامی و سایر گروه‌های مبارز و مسلمان به وحشت افتاد. به همین دلیل، با یورش به خانه‌های مبارزان و مجاهدان، عده زیادی را دستگیر و زندانی کردند. آیت الله صدر نیز با اینکه بیمار بود و در بیمارستان نجف بستری شده بود، تحت نظر مأموران سازمان امنیت رژیم بعث قرار گرفت. تا اینکه با اعتراض مردم و علما، سازمان امنیت دست از او برداشت (حائری، ۱۴۰۷: ۱۰۵-۱۰۷). در سال ۱۳۹۴ ق. رژیم بعث عراق، پنج تن از شاگردان و مریدان صدر، یعنی شیخ عارف بصری، سیدعزالدین قبانچی، سیدعمادالدین طباطبایی تبریزی، حسین جلوخان و سیدنوری طعمه را دستگیر و اعدام کرد! این گروه شهیدان، طلایه‌دار شهدای انقلاب اسلامی عراق بودند. این حادثه اثر ناگوار و سنگینی بر روح آیت‌الله صدر گذاشت و مدت‌ها به‌سختی متأثر و بیمار بود. از حوادث مهم دیگر در دوران مرجعیت آیت‌الله صدر، حرکت اربعین سال ۱۳۹۷ ق. بود. آیت‌الله صدر در مقام مرجعیت و یگانه پرچمدار مبارزه با حزب کافر بعث، با صدور فتوایی، پیوستن به حزب و هر گونه همکاری با آن را تحریم کرد. این فتوا، تکلیف مردم را روشن ساخت و مردم از پیوستن به حزب و عضویت در آن پرهیز کردند؛ جز اندکی فرومایه، بی‌دین و ترسو. تأثیر فتوای آیت

الله صدر به حدی بود که یکی از مسئولان حزب در این باره چنین اعتراف کرد: فتوای سید محمد باقر همة نقشه‌های ما را نقش بر آب کرده است و هیچ کس، جز عده کمی ترسو و بز دل، از پذیرفتن عضویت حزب و همکاری با آن استقبال نکرد (گفت‌وگو با سید محمد باقر مه‌ری، ص ۵۹). بدین‌گونه حزب بعث، دشمن اصلی خود را شناخت. در آستانه انقلاب اسلامی، صدر مواضع روشن‌تری را در حمایت از انقلاب اسلامی مطرح کرد و در برنامه‌های عمومی‌اش، این مواضع را برای مردم عمومی می‌کرد. درس تفسیر شهید صدر هفته‌ای دو روز از تاریخ ۱۷ جمادی الاول تا ۵ رجب ۱۳۹۹ طی چهارده جلسه برگزار شد.^۱ بعد از آن، رژیم طاغوتی صدام حسین از ترس بیداری مردم، درس تفسیر بیدارگرانه آیت الله صدر را به تعطیلی کشاند. درس تفسیر قرآن جنب و جوشی در میان توده مردم به وجود آورده بود. حکومت ظالمانه صدام از این پدیده خجسته اسلامی به وحشت افتاد و برای جلوگیری از هرگونه تحرک، طی یک یورش وحشیانه، همة نمایندگان آیت الله صدر را در تمام شهرهای کشور دستگیر و زندانی کرد. شهید صدر روز ۱۶ رجب ۱۳۹۹ را روز «اعتراض و اظهار انزجار از اعمال ظالمانه رژیم» اعلام کرد. مردم به اطاعت از رهبر و مرجع تقلید خود برخاستند، دست از کارهای خود کشیدند، بازارها را تعطیل کردند و برای بیعت با رهبرشان به خانه او شتافتند. همان شب، آیت الله صدر دستگیر و روانه بغداد شد. در سازمان امنیت بغداد، از او خواستند که دست از پشتیبانی از انقلاب اسلامی بردارد و مردم عراق را تحریک نکند. اما شجاعانه جواب داد: «من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همة مسلمانان جهان - نه تنها عراق و ایران - مسئولم و باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم. وظیفه شرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم، یک وظیفه شرعی است.» در بعد از ظهر گرم و سوزان روز شنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۰ (۱۶ فروردین ۱۳۵۹)، «ابوسعید» رئیس سازمان امنیت نجف با عده‌ای از مزدوران امنیتی، آیت الله صدر را دستگیر کردند و به سرعت از نجف به بغداد انتقال دادند. آیت الله صدر این بار می‌دانست که دیگر باز نخواهد گشت؛ چون وقتی ابوسعید جنایتکار گفت: «آماده باشید به بغداد برویم!» به آرامی گفت: «من خیلی وقت است که آماده شهادتم.» فردای آن روز، حکومت جبار بغداد، اقدام به دستگیری بنت الهدی کرد؛ چون بیم داشت مبادا بنت

۱. شهید صدر، المدرسة القرآنیة، ص ۲۳۹. مجموع آن چهارده جلسه درس تفسیر قرآن در کتاب المدرسة القرآنیة تدوین شده است.

الهدی بار دیگر مردم را به اعتراض و تظاهرات دعوت کند و رژیم را رسوا نماید! برزان ابراهیم، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت الله صدر خواست که فقط چند کلمه برضد امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بنویسد تا آزاد شود، وگرنه کشته خواهد شد! آیت الله صدر این خواسته آن آدمکش را رد کرد و گفت: «من آماده شهادتم، هرگز خواسته‌های غیرانسانی و ضددینی شما را قبول نخواهم کرد. راه من همان است که انتخاب کردم...». وقتی که مزدوران بعثی، از منصرف کردن آیت الله صدر و خواهرش مایوس شدند، آن دو علوی پاک‌نژاد مظلوم را در روز سه‌شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۴۰۰ (۱۹ فروردین ۱۳۵۹) زیر شکنجه به شهادت رساندند. پس از شهادت این عالم بزرگوار اقدامات امنیتی بسیار تشدید شد؛ به طوری که اعضای حزب الدعوه فقط سه راه پیش رو داشتند:

۱. مبارزه علنی و رویارویی با حزب بعث؛
۲. تشکیل هسته‌های مبارزاتی در تالاب‌های عراق؛
۳. مهاجرت و ادامه راه مبارزاتی از خارج از مرزها.

- اختلاف در حزب الدعوه در خارج از عراق

حزب در ۱۳۶۰ ش / ۱۹۸۱ کنگره عمومی را در تهران برگزار کرد. در این کنگره، کمیته‌ای ۱۲ نفره برای تدوین اساسنامه حزب تشکیل شد. این کمیته پیش‌نویس اساسنامه‌ای را تدوین کرد که به تصویب رهبری حزب رسید. اعضای شاخه بصره که از هواداران محمدهادی سبیتی، رهبر سابق حزب، بودند و با اعضای رهبری حزب در ایران اختلاف داشتند، در این کنگره شرکت نکردند. در نتیجه، اختلافات میان این دو طیف افزایش یافت (مؤمن، ۲۰۰۴: ۳۶۵). در ۳۰ تیر - مرداد ۱۳۶۱ / ژوئیه ۱۹۸۲ شاخه نظامی حزب پس از سوءقصد ناموفق به صدام حسین در شهر دجیل، کشف شد و ۱۱۷ تن از اعضای آن اعدام یا زندانی شدند.

- انشعاب

در اسفند ۱۳۶۲ ش / اواخر فوریه ۱۹۸۴ م کنگره عمومی حزب برگزار شد. در این کنگره منصب فقیه الدعوه از اساسنامه حزب حذف و به جای آن شورای فقهی به ریاست سیدکاظم حائری و عضویت محمد مهدی آصفی و محمد علی تسخیری تشکیل شد. اما پس از مدتی، بین شورای فقهی و اعضای رهبری حزب اختلاف افتاد. سیدکاظم حائری معتقد بود

که شورای فقهی باید رهبری حزب را در دست داشته باشد، اما اعضای رهبری، شورا را صرفاً مرجعی برای حل مسائل دینی می دانستند.

در ۱۱ دی ۱۳۶۶ / اول ژانویه ۱۹۸۸ کنگره‌ای در تهران برای حل اختلافات برپا شد. در این کنگره، اکثریت به لغو شورای فقهی رأی دادند. بنابراین، اعضای موافق با بقای شورای فقهی به رهبری سیدکاظم حائری از حزب منشعب شدند و حزب الدعوة الاسلامیه - المجلس الفقهی را تأسیس کردند که بعدها به حزب الدعوة الاسلامیه ولایه الفقیه تغییر نام داد. در نتیجه این اختلافات، محمدمهدی آصفی در کنگره عمومی حزب در ۱۳۶۸ ش / ۱۹۸۹ از سخنگویی حزب کناره گرفت و اعضای حزب ضمن حذف منصب سخنگو، به جای آن دفتر سیاسی را تشکیل دادند که شامل سه سخنگو می شد: علی ادیب در ایران، ابراهیم جعفری در لندن و نوری مالکی در سوریه.

- دسته بندی جناحی و انشعاب دوباره

در ۱۳۷۶ ش اختلافات حزبی درباره میزان دخالت و مشارکت فقها در امور حزبی سبب شد که چند جناح در درون حزب ایجاد شود:

۱. جناح محمدمهدی آصفی و همفکران او که اعتقاد داشتند هیئتی از فقها باید بر کار حزب الدعوة نظارت کنند؛
۲. جناح خصیر موسی جعفر الخزاعی و هواداران او که خط مشی افراطی داشتند و از حزب جدا شدند و حزب الدعوة الاسلامیه - تشکیلات عراق (حزب الدعوة الاسلامیه - تنظیم العراق) را تأسیس کردند؛
۳. جناح بارز حزب که حسن شبر، محسن ادیب و مهدی العطار به رهبری عبدالحلیم جواد الزهیری آن را نمایندگی می کردند و با دخالت فقها در کار حزب مخالف بودند؛
۴. شاخه بصره به رهبری عزالدین سلیم (ابویاسین) رسماً از حزب جدا شد و نام حرکت الدعوة الاسلامیه را برگزید.

پس از سال ۱۳۸۲

- به دست آوردن نخست وزیری عراق

پس از سقوط حکومت صدام در ۱۳۸۲ ش / ۲۰۰۳، اعضای حزب پس از بازگشت به عراق دفاتری را در کربلا و بغداد افتتاح کردند. در همان سال، شورای حکومتی (مجلس الحکم)





به منظور تدوین قانون اساسی جدید عراق و تشکیل دولت، با حضور ۲۵ تن از احزاب مهم عراق تأسیس شد. ابراهیم جعفری از حزب الدعوة به عضویت این شورا درآمد و به ریاست آن منصوب شد. در ۳۱ تیر ۱۳۸۳ / ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴، حکومت موقت عراق جایگزین شورای حکومتی شد. در این حکومت که به ریاست جمهوری غازی مشعل عجیل الیاور و نخست‌وزیری ایاد علاوی تشکیل شد، ابراهیم جعفری معاون رئیس‌جمهور شد. در انتخابات مجلس موقت عراق در ۱۱ بهمن ۱۳۸۳ / ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵، حزب الدعوة همراه سایر احزاب شیعی با ارائه فهرستی مشترک به نام ائتلاف یک‌پارچه عراق (ائتلاف العراقی الموحد) شرکت کرد و با کسب ۱۳۳ کرسی از ۲۷۵ کرسی مجلس به پیروزی رسید. در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۴ / ۳ می ۲۰۰۵، حکومت انتقالی از سوی مجلس برگزیده شد که ابراهیم جعفری نخست‌وزیر و جلال طالبانی رئیس‌جمهور شدند. از جمله علل موفقیت حزب الدعوة پس از سال ۱۳۸۲ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حزب الدعوة ریشه تاریخی در عراق داشت؛
- اعضای حزب الدعوة از نخبگان و استادان دانشگاه بودند؛
- اعضای حزب الدعوة به دلیل مهاجرت به خارج از کشور، به‌ویژه انگلستان و آمریکا از روابط بهتری با کشورهای خارجی نسبت به سایر احزاب برخوردار بودند؛
- اعضای حزب الدعوة در بین اقشار عراقی جایگاه بسیار خوبی داشتند؛
- از جمله تمایزهای حزب الدعوة ارتباط مناسب آنها با ایران و آمریکا بود؛
- از دیگر تمایزهای حزب الدعوة داشتن شبکه داخلی و خارجی سازماندهی شده بود؛
- عامه مردم عراق رهبران حزب الدعوة را جزو نخبگان عراقی می‌دانستند؛
- از آنجا که شیعیان در طول قرن اخیر، حق حضور در حکومت نداشتند، فقر نخبگان در بین شیعیان بسیار آشکار بود.

- موفقیت در انتخابات پارلمان عراق

در ۲۴ آذر ۱۳۸۴ / ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ م، در انتخابات مجلس عراق نیز حزب الدعوة در چارچوب ائتلاف یک‌پارچه عراق مشارکت کرد و ۱۲۸ کرسی از ۲۷۵ کرسی مجلس را به خود اختصاص داد. در ۱۳۸۵ ش / ۲۰۰۶ مجلس عراق، نوری المالکی، از اعضای بارز حزب الدعوة را به نخست‌وزیری برگزید. در ۱۳۸۶ ش / ۲۰۰۷، در کنگره عمومی حزب الدعوة منصب جدید دبیرکلی اضافه و نوری مالکی به این منصب برگزیده شد. در پی این

کنگره، ابراهیم جعفری از حزب الدعوه جدا شد و جریان اصلاح ملی (تیار اصلاح الوطنی) را تأسیس کرد (مؤمن، ۲۰۱۲).

انتخابات دوره بعدی مجلس عراق در ۱۶ اسفند ۱۳۸۸ / ۷ مارس ۲۰۱۰ برگزار شد. پیش از انتخابات، میان احزاب شیعی موجود در ائتلاف یک‌پارچه عراق اختلاف افتاد. به همین دلیل، نوری مالکی ائتلاف جدیدی شامل ۷ حزب به نام ائتلاف دولت قانون (ائتلاف دوله القانون) تشکیل داد. این ائتلاف در انتخابات مجلس، ۸۹ کرسی به‌دست آورد و پس از فهرست العراقیه (قائمه العراقیه) به رهبری ایاد علاوی - که ۹۱ کرسی را به خود اختصاص داده بود - قرار گرفت. این مجلس نیز بار دیگر مالکی را به نخست‌وزیری برگزید (عباس عبود سالم، ۲۰۱۰). نوری مالکی در دوران نخست‌وزیری خود از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ اقدامات متفاوتی را انجام داد و با چالش‌های بسیار زیادی روبه‌رو بود که مهم‌ترین آنها جنگ‌های طایفه‌ای بین شیعیان و اهل سنت عراق، افزایش ناامنی و روبه‌رو شدن با گروه‌های تروریستی، حضور نیروهای آمریکایی، مخالفت و عدم اطاعت نمایندگان اهل سنت و کرد از دستورات نخست‌وزیر بود. نوری مالکی توانست در ۸ سالی که در پست نخست‌وزیری بود، افراد خود را در تمام سطوح دولت مستقر کند. به عبارتی، نفوذ و قدرت نوری مالکی در تمام دستگاه‌های دولتی بسیار گسترش پیدا کرد. حضور و اقدامات نوری مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر عراق و رئیس حزب الدعوه، این حزب را ناخودآگاه تقویت می‌کرد. اما سؤال اینجاست که چه اقداماتی مالکی انجام داد که حتی در انتخابات ۲۰۱۴ م نزدیک بود به منصب قدرت برسد. کارشناسان معتقدند برخی از اقدامات مالکی در دو دوره نخست‌وزیری‌اش، محبوبیت ایشان را در جامعه افزایش داد، از جمله:

- صدور حکم اعدام صدام؛
- استخدام و جذب هزاران نیرو در دستگاه‌های دولتی؛
- استخدام و جذب هزاران نیرو در دستگاه‌های نظامی؛
- خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق؛
- تخصیص حقوق، زمین و مزایا به خانواده شهدا؛
- تخصیص حقوق و مزایا به اعضای گروه‌های جهادی که در خارج از کشور بودند؛
- ارتباط قوی با قشر نخبگانی و رابطه مستقیم با آنها، به‌ویژه وزارت علوم عراق؛
- ارتباط با عشایر عراق و اعطای مزایا به رؤسای عشایر.

بی شک دلایل مختلف دیگری نیز وجود دارد، ولی شاید اصلی ترین دلایل مواردی بود که در بالا ذکر و باعث شد که محبوبیت ایشان در جامعه شیعه عراق افزایش یابد. افزون بر این، می توان گفت که جامعه عراق از شخصیتی که در قدرت حضور دارد، استقبال و تلاش می کند خودش را با قدرت موجود وفق دهد. از طرف دیگر، مالکی در جامعه شیعی تلاش کرده بود تا سایر احزاب را نیز در قدرت سهیم کند. البته تنش با جریان صدر همچنان به صورت غیرمستقیم وجود داشت. این تنش از صوله الفرسان (جنگ نیروهای دولتی به رهبری مالکی بر ضد گروه های شبه نظامی صدر در سال ۲۰۰۸ در بصره) آغاز شد و تا امروز، این کینه و تنش بین مالکی و صدر ادامه دارد.

در انتخابات سال ۲۰۱۴ م، مانند انتخابات های پیشین، سه طیف شیعیان و اهل سنت و کردها با ائتلاف های گوناگون با هم رقابت کردند، از جمله ائتلاف دولت قانون به رهبری «نوری مالکی، نخست وزیر و ائتلاف شهروند به رهبری «سیدعمار حکیم» رئیس مجلس اعلای اسلامی.

جریان های صدری شامل: ائتلاف آزادگان (كتلة الأحرار)، گردهمایی مشارکت ملی (تجمع شراکه الوطنیه) و جریان نخبگان (تیار النخب) سه جریان اصلی و با نفوذ شیعه به شمار می روند. نوری مالکی، رئیس حزب الدعوه و نخست وزیر عراق، توانست در این انتخابات در چارچوب ائتلاف دولت قانون ۹۲ کرسی از ۳۲۸ کرسی پارلمان را به دست آورد و شانس خود را برای نخست وزیری آینده تقویت کند. اما او هم زمان با چالش های داخلی و خارجی زیادی مواجه بود. مالکی می دانست از یک سو، در داخل با احزاب شیعه تا حدودی مشکل دارد و از سوی دیگر، کردها و اهل سنت نخست وزیری مجدد وی را نخواهند پذیرفت. اما روی دیگر سکه، دولت های منطقه و فرمانطقه ای بودند که حضور مجدد نخست وزیری مالکی را تهدیدی برای خود احساس می کردند. شاید دلیل اصلی آن هم حمایت های مالکی از حکومت بشار اسد در جنگ با تروریست بود که برخی کشورهای منطقه و فرمانطقه را ناراحت کرده بود. به همین دلیل، رایزنی ها برای تغییر نوری مالکی در درون حزب و در بین احزاب دیگر با مشورت کشورهای منطقه و فرمانطقه آغاز شد و در نهایت، آیت الله سیستانی در نامه ای به سران حزب الدعوه در یازدهم رمضان همان سال، به صورت غیرمستقیم خواستار تغییر نخست وزیر عراق شد. آیت الله سیستانی، از بارزترین مراجع شیعه عراق، در ۱۱ رمضان در پاسخ به نامه سران حزب الدعوه در تاریخ ۲۶ شعبان، توصیه به تغییر نخست وزیر کرد. در

این نامه، آیت الله سیستانی خطاب به سران حزب الدعوه گفت: «سرعت بخشیدن به تعیین نخست‌وزیر جدید مسئله‌ای است که ضرورت دارد.... نخست‌وزیر باید مورد قبول اکثریت جامعه باشد و بتواند همراه با سایر گروه‌های سیاسی، کشور را از خطر تروریسم و جنگ طایفه‌ای نجات دهد» (الدلیمی، ۲۰۲۲).

در اینجا می‌توان گفت برخی رهبران حزب الدعوه این نامه را حجتی برای تغییر نوری مالکی دانستند و آقای حیدر العبادی را به‌عنوان نامزد پیشنهادی برای سمت نخست‌وزیری انتخاب کردند. در این شرایط، حیدر العبادی پس از نامزد شدن مورد حمایت تمام احزاب و کشورهای منطقه و فرمانطقه قرار گرفت و به‌عنوان نخست‌وزیر عراق تعیین شد. شاید بتوان گفت اینجا بود که انشقاق دوم - پس از ابراهیم الجعفری که در سال ۱۳۸۵ جدا شده بود - توسط حیدر العبادی در سال ۱۳۹۲ در حزب الدعوه اتفاق افتاد.

- نخست‌وزیری حیدر العبادی (۱۳۹۲-۱۳۹۶)

نخست‌وزیری حیدر العبادی هم‌زمان با هجوم داعش به استان‌های عراق و اشغال سه استان عراق بود. این امر مدیریت را برای حیدر العبادی سخت‌تر می‌کرد. حیدر العبادی یکی از شخصیت‌های برجسته حزب الدعوه به‌شمار می‌رفت؛ اما دوران نخست‌وزیری ایشان با چالش‌های زیادی همراه بود. حیدر العبادی در دوره نخست‌وزیری خود با بحران داعش و هزینه سنگین نبرد با آن و کمبود بودجه برای نوسازی زیرساخت‌های عراق روبه‌رو بود. اختلافات درون‌حزبی با نوری مالکی و تنش‌های منطقه‌ای با ترکیه که با عنوان مبارزه با داعش و کمک مستشاری به نیروهای کرد، به شمال عراق نیرو اعزام کرده بود و نیز تنش با ایران در اواخر دوره نخست‌وزیری را هم باید به این فهرست اضافه کرد. این چالش‌ها منجر به کم‌رنگ شدن چشم‌انداز رسیدن به دور دوم نخست‌وزیری شد. عبادی در دور دوم تصمیم به تشکیل ائتلافی جداگانه گرفت و ائتلاف نصر به‌وجود آمد که در ابتدا با همراهی هادی عامری روبه‌رو شد. اما عامری پس از چندی، از این ائتلاف خارج و با تشکیل ائتلاف فتح به‌صورت مستقل وارد رقابت‌های انتخاباتی شد. هرچند ائتلاف نصر در چهارمین دور انتخابات پارلمانی موفقیت نسبی کسب کرد و ۴۲ کرسی از مجموع ۳۲۸ کرسی را به‌دست آورد و سومین گروه بزرگ پارلمانی را شکل داد، اما حیدر العبادی نتوانست برای دومین بار بر مسند نخست‌وزیری تکیه بزند. به‌نظر می‌رسد تنش حیدر العبادی با نوری مالکی و تنشی که عبادی با گروه‌های مقاومت داشت، از مهم‌ترین دلایلی بود که نخست‌وزیری مجدد ایشان را تحت تأثیر قرار داد.

- خارج شدن نخست‌وزیری از حزب الدعوه

انتخابات سال ۲۰۱۸ میلادی (۱۳۹۶) پس از شکست داعش بسیار سرنوشت‌ساز بود. از طرفی، حیدر العبادی خیز بزرگی برای نخست‌وزیری مجدد برداشت و از طرف دیگر، نوری مالکی رسیدن به پست نخست‌وزیری را در ذهن خود می‌پروراند. نتایج انتخابات بسیار شگفت‌انگیز بود؛ زیرا صدر با ۵۴ کرسی، فتح با ۵۳ کرسی به رهبری هادی العامری، نصر با ۲۲ کرسی به رهبری حیدر العبادی، ائتلاف دولت القانون با ۲۶ کرسی به رهبری مالکی، حزب دموکرات کردستان با ۲۵ کرسی به رهبری بارزانی، حزب الوطنیه با ۲۱ کرسی به رهبری ایاد علاوی، جنبش حکمت با ۱۹ کرسی به رهبری سیدعمار حکیم، اتحادیه میهنی کردستان با ۱۸ کرسی به رهبری کوسرت رسول علی و سرانجام ائتلاف متحدون با ۱۴ کرسی به رهبری اسامه نجیفی انتخابات ۱۳۹۶ را به پایان رساندند. پس از کش و قوس‌های فراوان بین احزاب سیاسی، بالاخره عبدالمهدی که از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ یکی از دو معاون رئیس‌جمهور عراق بود و در دولت موقت پس از سقوط صدام وزیر دارایی بود، به‌عنوان نخست‌وزیر عراق معرفی شد. او یکی از نامزدهای تصدی پست نخست‌وزیری پس از انتخابات سال ۱۳۸۳ مجلس نمایندگان عراق به‌شمار می‌رفت که در رأی‌گیری داخلی «ائتلاف ملی عراق» با یک رأی مغلوب نوری مالکی شد. عبدالمهدی در دهه ۱۹۷۰ از اعضای برجسته حزب کمونیست عراق بود. اما در دهه ۱۹۸۰ دیدگاه‌های اسلام‌گرایانه پیدا کرد و از طرفداران انقلاب اسلامی ایران شد و به‌گروه نو بنیاد مجلس اعلای انقلاب اسلامی پیوست که در ایران تشکیل شده بود و ارتباط نزدیکی با مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران داشت. در مهر ۱۳۹۷ عادل عبدالمهدی به نخست‌وزیری عراق انتخاب و جایگزین حیدر عبادی شد و در نهایت، پس از یک‌سال نخست‌وزیری، پس از اعتراضات گسترده در کشور عراق در آبان و آذر ۱۳۹۸ (اکتبر ۲۰۱۹)، عادل عبدالمهدی استعفای خود را تقدیم پارلمان این کشور کرد. در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۹۸ این استعفا با موافقت پارلمان عراق رو به‌رو شد. شاید بتوان گفت حضور عادل عبدالمهدی مورد تأیید برخی از رقبای حزب الدعوه بود؛ زیرا این حزب از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۷ بر منصب نخست‌وزیری تکیه زده بود.

مهر ۱۳۹۸ / اکتبر ۲۰۱۹

پس از پایان یک‌سال نخست‌وزیری عادل عبدالمهدی، برخی از گروه‌ها و جناح‌های اجتماعی و حتی سیاسی اعتراضات خود را برضد نخست‌وزیر آغاز کردند. این امر آرام آرام

تبدیل به یک جنبش اجتماعی شد و تظاهرات پس از چند روز تمام استان‌های شیعه عراق را فراگرفت. بغداد و ناصریه به‌عنوان محور این تظاهرات بودند و با فشارهای بسیار زیاد نخست‌وزیر عراق را مجبور به استعفا کردند و خواستار تغییر قانون انتخابات شدند. در نهایت، هر دو خواسته معترضان برآورده شد؛ نخست‌وزیر عراق استعفا داد و قانون انتخابات تغییر پیدا کرد. جریان و تظاهرات اکتبر با سازماندهی خاصی مخالفت خود را با احزاب شیعه عراق به استثنای صدر اعلام می‌کرد و در برنامه‌ای سازماندهی شده مراکز این احزاب در استان‌های جنوبی عراق به آتش کشیده می‌شد. به نظر می‌رسد تظاهرات ایجادشده با هدف برکناری عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق، فقط اجتماعی نبوده است و برخی آن را سیاسی نیز تحلیل می‌کنند. درست است که اعتراضات به دلایل داخلی، مانند اعتراضات دانش‌آموختگان و درخواست آنها برای استخدام آغاز شد، اما کارشناسان دلایل مختلف سیاسی دیگری نیز ذکر می‌کنند که عبارت‌اند از: سیاست‌های منطقه‌ای مستقل دولت عادل عبدالمهدی، خرید تجهیزات نظامی از روسیه، عدم پیوستن به اتحاد امنیت دریانوردی آمریکا، بازگشایی مرز القائم بین عراق و سوریه، محکوم کردن اسرائیل در محافل بین‌المللی به دلیل برخی حمله‌ها در مرز سوریه، توافق عراق با شرکت‌های برجسته آلمانی در حوزه برق، حمایت از حشد و تثبیت آن، عدم همراهی با تحریم‌ها علیه ایران (طاهایی، ۱۳۹۸). در نهایت، با فشار معترضان، آقای مصطفی الکاظمی به‌عنوان نخست‌وزیر موقت به این منصب تکیه زد و تا انتخابات ۲۰۲۱ میلادی در این منصب حضور داشت.

حزب الدعوه در انتخابات ۲۰۲۱/۱۴۰۰ میلادی

انتخابات سال ۱۴۰۰ با قانون جدید انتخابات برگزار شد. مشارکت در انتخابات سال ۱۴۰۰ با توجه به تغییر قانون انتخابات و تشویق مردم از جانب مرجعیت برای شرکت در انتخابات، فقط ۴۱ درصد بود. این نشان‌دهنده شکاف بسیار بزرگی است که در بین مردم و حکومت سیاسی عراق وجود دارد. در این انتخابات، جریان صدر با ۷۳ کرسی بیشترین کرسی‌های پارلمان را به‌دست آورد. در بین شیعیان، پس از آن ائتلاف دوله القانون به رهبری مالکی با ۳۳ کرسی و ائتلاف فتح به رهبری هادی العامری ۱۷ کرسی را به‌دست آوردند. شاید بتوان گفت گروه‌های شیعی در مقابل صدر بازنده اصلی بودند و مقتدی صدر توانست به کمک قانون جدید انتخابات و آرایش بسیار خوبی که در حوزه‌های انتخاباتی داشت، بالاترین تعداد کرسی‌های پارلمان را به‌دست آورد. از آنجا که از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹ همیشه



حکومت عراق مشارکتی بوده است، این بار سیدمقتدی صدر با آرایشی که به دست آورد، تصمیم گرفت تا با گروه‌های اهل سنت و کردها هم‌پیمان شود و اکثریت پارلمان را تشکیل دهد و عملاً حکومت را بدون سایر احزاب شیعه تشکیل دهد. از طرفی، جریان‌های دیگر شیعه خواستار حضور در حکومت بودند و صدر همچنان به دنبال تکروری در این مسیر بود. جریان‌های شیعه که به نتایج انتخابات معترض بودند، چندین تظاهرات در بغداد داشتند و در چند مکان نیز تحصن کردند. اما جریان صدر که به دنبال اجرای نقشه‌های خود بود، با بارزانی و حلبوسی متحد و برای تشکیل اکثریت پارلمان و انتخاب نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور دست به کار شد. جریان‌های شیعه مقابل صدر گروهی را به نام چارچوب هماهنگی تشکیل دادند و تلاش کردند تا با صدر به نتیجه برسند؛ اما این امر محقق نشد. در نهایت، صدر برای تشکیل حکومت به همراه اهل سنت و کردها به پارلمان رفت و محمد الحلبوسی را برای بار دوم به‌عنوان رئیس پارلمان انتخاب کردند. صدر برای انتخاب نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور توافقاتی را با اهل سنت و کردها انجام داد؛ اما در برگزاری جلسه پارلمان برای انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر به دلیل به حد نصاب نرسیدن پارلمان ناکام ماندند و در نهایت، پس از چند روز درگیری در بغداد، صدر به نمایندگان خود دستور داد تا از پارلمان استعفا دهند. سرانجام نمایندگان سایر گروه‌های شیعه جایگزین نمایندگان صدر شدند. با معرفی نمایندگان جدید پارلمان، چارچوب هماهنگی با برگزاری جلسه‌ای، در نهایت محمد شیاع سودانی را به‌عنوان نخست‌وزیر عراق معرفی کرد و ایشان در پارلمان توسط نمایندگان رأی اعتماد گرفت. می‌توان گفت حزب الدعوه و رهبر آن، نوری مالکی، در انتخاب محمد شیاع سودانی نقش ویژه‌ای را ایفا کرد. به نظر می‌رسد نوری مالکی که در سال ۱۳۹۳ با آمدن عبادی نفوذش در دولت کم شده بود، با آمدن محمد شیاع سودانی نفوذش در دولت جدید افزایش یافته است؛ به طوری که حزب الدعوه در دولت جدید سه وزارتخانه به دست آورد. در واقع، وزارتخانه‌های نفت به رهبری حیان عبدالغنی، کشاورزی به رهبری عباس جبر و جوانان به رهبری احمد المبرقع در کابینه آقای سودانی سهم ائتلاف دوله القانون به رهبری نوری المالکی شد.



حزب الدعوه در پنج دوره انتخاباتی

انتخابات سال 2006/1385 در چارچوب ائتلاف ملی عراق به رهبری ابراهیم جعفری	انتخابات سال 2010/1389 ائتلاف دوله القانون به رهبری مالکی	انتخابات سال 2014/1393 ائتلاف دوله القانون به رهبری مالکی	انتخابات سال 2018/1397 ائتلاف دوله القانون به رهبری مالکی	انتخابات سال 2021 ائتلاف دوله القانون به رهبری مالکی
140 کرسی	89 کرسی	92 کرسی	26 کرسی	33 کرسی
				پس از استعفای صدر
				38 کرسی

آینده‌نگری حزب الدعوه به رهبری مالکی

نوری مالکی در حزب الدعوه نقش ویژه‌ای دارد و در بین احزاب شیعه از جایگاه مؤثری برخوردار است. در حال حاضر، نوری مالکی یکی از اعضای چارچوب هماهنگی است که آقای سودانی را برای پست نخست‌وزیری انتخاب کرد. پس از استعفای نمایندگان سیدمقتدی صدر از پارلمان عراق، در حال حاضر آقای نوری مالکی بیشترین تعداد نمایندگان را در بین احزاب شیعه در پارلمان و نیز تأثیر بسزایی در این نهاد دارد. با توجه به تعداد نمایندگان ائتلاف دوله القانون در پارلمان عراق می‌توان گفت نوری مالکی، رهبر حزب الدعوه، در پارلمان می‌تواند تأثیر پر رنگی داشته باشد. حزب الدعوه تلاش می‌کند تا دولت آقای محمد شیاع سودانی دستاوردهای خوبی برای مردم عراق داشته باشد. در این زمینه، براساس اهداف تعیین شده، حمایت‌های لازم را از دولت او به عمل می‌آورد. در ادامه، نقاط قوت و ضعف حزب الدعوه و در نهایت، تأثیر این حزب را به‌عنوان یک گروه شیعه در آینده عراق بررسی می‌کنیم.

نقاط قوت حزب الدعوه

۱. ریشه تاریخی حزب الدعوه

حزب الدعوه تاریخ چند ده ساله را با خود به‌همراه دارد؛ به این معنا که در قرن اخیر ریشه تاریخی دارد. حزب الدعوه از سال ۱۳۸۲ تاکنون، به‌عنوان یکی از مؤثرترین احزاب شیعه عراق در عرصه سیاسی نقش ایفا کرده است. «تاریخی و ریشه‌دار بودن» یکی از نقاط مثبت حزب الدعوه محسوب می‌شود. تاکنون (سال ۱۴۰۱)، حدود ۶۶ سال از تأسیس حزب الدعوه می‌گذرد و این حزب توانسته است در این سال‌های متمادی که مراحل مختلفی اعم از تأسیس، تربیت، مبارزه، مهاجرت و مشارکت در سیاست را سپری کرده است، همچنان



با ثبات بماند. البته برخی معتقدند که اهداف حزب الدعوة کنونی با حزب الدعوة ۶۶ سال گذشته متفاوت است؛ اما با تمام فراز و نشیب‌ها، این حزب همچنان در جامعه عراق تأثیرگذار است.

۲. حزب الدعوة و سیدمحمدباقر صدر

حزب الدعوة دارای اسطوره‌ای به نام سیدمحمدباقر صدر است که در قشر سنتی تأثیر بسزایی دارد. شخصیتی که در جوانی به مرجعیت رسید و آثار ایشان در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود. می‌توان گفت نام شهید سیدمحمدباقر صدر به حزب الدعوة گره خورده است؛ به طوری که برخی ایشان را مؤسس و برخی دیگر پدر معنوی حزب الدعوة معرفی می‌کنند. سیدمحمدباقر صدر به دلیل علم نافع و مواضع سرسختانه خود برضدحزب بعث مورد احترام بسیاری از بزرگان و عامه جامعه عراق است. با توجه به فراز و نشیب‌های حزب الدعوة پس از سال ۱۳۸۲ تاکنون، همچنان برخی از جامعه سنتی عراق به احترام سیدمحمدباقر صدر این حزب را دوست دارند. بی‌شک، این امر نسبی است و نمی‌توان آن را به کل جامعه شیعه عراق تعمیم داد.

۳. خدمات حزب الدعوة به مردم

حزب الدعوة در زمان زمامداری خود (۱۳۸۴ - ۱۳۹۷) خدمات درخور توجهی را به خانواده‌های شیعه عراق ارائه داد. بسیاری از خانواده‌های شیعه عراق که از امتیازهای مختلف استفاده کرده بودند، خود را مدیون شخص آقای نوری مالکی می‌دانند. نوری مالکی، نخست‌وزیر و رهبر حزب الدعوة، تلاش کرد تا به خانواده‌های آسیب‌دیده در دوران حزب بعث و عامه مردم عراق کمک کند. لذا اقدامات مختلفی انجام داد که عبارت‌اند از: استخدام دولتی بسیاری از شخصیت‌ها، کمک به خانواده شهدا و کمک به مجروحان و زندانیان سیاسی شیعه در ایام حزب بعث.

۴. ارتباط حزب الدعوة با جامعه نخبگانی

ارتباط حزب الدعوة با جامعه نخبگانی عراق یکی از رویه‌های اصلی این حزب است. همان‌طور که در بالا اشاره شد، رویه حزب الدعوة از بدو تأسیس، «جذب نخبگان جامعه، حوزه و دانشگاه» بوده است. این رویه پس از سال ۱۳۸۲ نیز ادامه پیدا کرد. حزب الدعوة

به‌صورت مستقیم در دو دوره توسط آقای حسین شهرستانی و ابو بلال الادیب رهبری وزارت علوم عراق را برعهده داشت. لذا تعداد درخور توجهی از استادان و دانشجویان عراقی از سال ۱۳۸۴ تا پایان دوره آقای نوری مالکی حامی حزب الدعوه شدند. البته به نظر می‌رسد این رویه در سال‌های اخیر کم‌رنگ‌تر شده که دلیل آن، روی کار آمدن احزاب شیعه و پیشرفت تحصیل در عراق، به‌ویژه در تحصیلات تکمیلی بوده است. این امر احزاب دیگر را قادر کرده است تا در قشر جامعه نخبگانی نقش ویژه‌ای داشته باشند. در نتیجه می‌توان گفت حزب الدعوه در دوره نوری مالکی توانست ارتباط خوبی با جامعه نخبگانی و حتی جامعه مدنی برقرار کند. در سال ۱۳۹۳، ائتلاف دوله القانون آرای خوبی را در انتخابات کسب کرد و موفق شد ۹۲ کرسی از ۳۲۸ کرسی پارلمان را به‌دست آورد.

۵. ارتباط حزب الدعوه با آمریکا، کشورهای غربی و ایران

حزب الدعوه در بدو تأسیس با هدف یک گروه انقلابی و سیاسی اسلامی شیعه فعالیت خود را آغاز کرد و اهداف بلندمدتی را در سر داشت. پس از سال ۱۳۵۹ و شهادت سیدمحمدباقر صدر فعالیت حزب الدعوه در خارج از مرزها نیز دنبال شد. شاید بتوان گفت حزب الدعوه با سه شخصیت برجسته فعالیت خود را در خارج از مرزها ادامه داد: نوری مالکی در سوریه، علی الادیب در ایران و ابراهیم جعفری در لندن. اینها سه شخصیت برجسته حزب الدعوه بودند که فعالیت‌های خود را در خارج از کشور دنبال می‌کردند. با توجه به برگزاری کنفرانس معارضان در سال ۱۳۸۱ و روابط بین کشورهای خارجی با معارضان، حزب الدعوه توانست ارتباط خوبی را با کشورهای خارجی برقرار کند. دوره اول نخست‌وزیری نوری مالکی با حضور نیروهای نظامی آمریکایی در عراق هم‌زمان شد. در این دوره، مالکی توانست رایزنی و روابطی را با آمریکایی‌ها در حوزه‌های مختلف داشته باشد که این رایزنی‌ها به توافقنامه امنیتی و راهبردی در سال ۱۳۸۷ ختم شد. گفتنی است که آمریکایی‌ها پس از سال ۱۳۹۰ از عراق خارج شدند. سیاست‌های نوری مالکی به‌ویژه در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳ و حمایت ایشان از سوریه باعث شد تا روابط نوری مالکی با کشور آمریکا و کشورهای عربی «شکر آب» شود. این امر به عدم حمایت کشورهای منطقه و فرامنطقه از انتخاب مجدد نوری مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر در سال ۱۳۹۳ منجر شد.



۶. استفاده از زیرساخت‌های دولتی

اعضای حزب الدعوه پس از سال ۱۳۸۲ توانستند رأس هرم ساختار سیاسی حکومت عراق را به دست گیرند و از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ بر منصب نخست‌وزیری تکیه بزنند. در این سال‌ها حزب الدعوه توانست از تمام امکانات حکومت استفاده و خود را تقویت کند. این امر در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ برای نوری مالکی و از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ کاملاً آشکار بود؛ زیرا در انتخاباتی که اعضای حزب الدعوه به‌عنوان نخست‌وزیر وقت در ساختار سیاسی حضور داشتند، حزب الدعوه و شخص نخست‌وزیر رأی بسیار بالایی در انتخابات کسب می‌کرد. شاید بتوان گفت به‌صورت آگاه یا ناخودآگاه امکانات حکومت‌ها کمک شایانی به حزب‌های حاکم می‌کرد. از جمله نقاط قوت حزب الدعوه «استفاده از منابع حکومت برای تقویت خود در زمان زمامداری عراق» بوده است که این امر قابل اغماض نیست.

۷. ثبات حزب پس از سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ میلادی

پس از سقوط حزب بعث و روی کار آمدن احزاب معارض در ساختار حکومتی عراق، سه حزب برجسته در ساختار شیعیان دیده می‌شد که عبارت بودند از: حزب الدعوه، مجلس اعلی و جریان صدر. پس از اینکه حزب الدعوه در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ منصب نخست‌وزیری را در اختیار خود گرفت، دو اتفاق مهم در این حزب افتاد و آن، انشقاق ابراهیم جعفری و حیدر العبادی از حزب الدعوه بود. بسیاری از کارشناسان معتقد بودند که ساختار حزب الدعوه از هم پاشیده خواهد شد؛ اما این اتفاق نیفتاد و نوری مالکی همچنان به‌عنوان رئیس حزب الدعوه رهبری کامل حزب را برعهده دارد. در نتیجه می‌توان گفت حزب الدعوه با تمام فراز و نشیب‌هایش توانست ثبات ساختار سیاسی خود را حفظ کند. شاید این امر به‌دلیل روحیه و ثبات شخصیت نوری مالکی باشد که بسیار قوی و با پرستیژ است.

۸. حزب الدعوه و گروه‌های انقلابی

ارتباط قابل قبول نوری مالکی با جریان مقاومت مسئله‌ای مهم محسوب می‌شود. اگر تاریخچه حزب الدعوه را مطالعه کنیم، خواهیم دید که نظریه حزب الدعوه یک گروه سیاسی - انقلابی به‌همراه ساختار مبارزاتی، اطلاعاتی و امنیتی در دوران رژیم بعث است. رهبران حزب الدعوه به‌ویژه شهید سیدمحمدباقر صدر همسو با جریان انقلابی و انقلاب جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بودند. ایشان در سخن معروف خود و به

نقل از آیت الله حائری به شاگردانش می‌فرمود: «باید مرجعیت امام خمینی که ایران امروز در تبلور آرمان‌های اسلامی خود، مرهون آن است؛ به‌دقت مورد توجه قرار گیرد.» پس از سال ۱۳۸۲، نوری مالکی هم‌راستا با گروه‌های مقاومت و در عرصه دیپلماسی تلاش کرد تا با رایزنی‌های فراوان نیروی نظامی آمریکا را از عراق خارج کند. همچنین ایشان در دو عرصه دیگر، حمایت‌هایی را از حوزه گفتمان مقاومت به‌عمل آورده است: مرحله اول، جنگ سوریه و مرحله دوم، حمایت از گروه‌های مقاومت و حشد الشعبی در سال ۱۳۹۳.

۹. روحیه ملی‌گرایانه و عرب‌گرایانه نوری مالکی در چارچوب شیعه‌گرایی

نوری مالکی، رئیس حزب الدعوه، تعصب خاصی بر روی مذهب و کشور خود دارد. اما هم‌زمان هویت عربی و ملی‌گرایانه خود را در بسیاری از مراسم اعلام کرده است. مالکی تلاش کرده است تا با تقویت هر سه گزینه، وحدت ملی را حفظ کرده و هم‌زمان ارتباط خود را با کشورهای عربی - که پس از سال ۱۳۸۲ تضعیف شده است - تقویت کند. البته برخی دیگر از احزاب رقیب در موضوع ناسیونالیسم عربی تلاش می‌کنند تا با تقویت این هویت (ناسیونالیسم عربی) خود را به کشورهای عربی نزدیک‌تر کنند.

۱۰. دارای عقلانیت حکمرانی در عراق جدید

حزب الدعوه از بدو تأسیس، رسیدن به حکمرانی را یکی از اهداف مهم خود معرفی کرده بود. مرحله تغییر، بنا و تحول‌خواهی، مرحله کار مستقیم سیاسی، مرحله انقلابی و مرحله حاکمیت - دستیابی به قدرت (حضور در عرصه قدرت سیاسی) از مهم‌ترین اهداف حزب الدعوه به‌شمار می‌رود. می‌توان گفت حزب الدعوه ۴۸ سال پس از تأسیس صبر و مبارزه کرد تا بتواند به عرصه حکمرانی برسد. نوری مالکی با بحران‌های بسیار بزرگی روبه‌رو بود؛ اما توانست حکمرانی عراق را به‌خوبی پشت سر گذارد. این در حالی بود که برخی از کشورهای عربی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، به‌دنبال تضعیف حکومت مرکزی عراق بودند. به گفته کارشناسان عراق، نوری مالکی دارای عقلانیت حکمرانی خوبی است و حتی پس از سال ۲۰۱۴ - که برخلاف میل از صحنه سیاسی به حاشیه رانده شد - تا امروز توانسته است با حکمت، حزب الدعوه را به‌عنوان یکی از احزاب تأثیرگذار در جامعه شیعه عراق حفظ کند.



۱۱. ارتباطات منطقه‌ای با جریان‌های شیعه منطقه

حزب الدعوه که الگویی از اخوان المسلمین را در عراق پیاده کرده بود، توانست با جریان‌های مختلف منطقه‌ای ارتباطاتی حسنه برقرار کند. ارتباط با گروه‌های شیعه منطقه، به‌ویژه ایران و لبنان یکی از نقاط مثبت حزب الدعوه است.

نقاط ضعف حزب الدعوه

۱. اختلافات و انشقاقات

همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، انشقاقات حزب الدعوه از بدو تأسیس تاکنون بسیار بوده است و بسیاری از شخصیت‌های بزرگ، برجسته و مطرح از این حزب جدا شده‌اند. اما شاید جدایی ابراهیم جعفری و حیدر العبادی در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۳ از مهم‌ترین انشقاقات بود که در سال‌های اخیر با آن روبه‌رو شدند. این امر در انتخابات ۱۳۹۷ تأثیر بسزایی روی حزب الدعوه داشت. در این انتخابات، حیدر العبادی توانسته بود با مشارکت در انتخابات به‌صورت مستقل ۲۲ کرسی را به‌دست آورد و در کنار ائتلاف نوری مالکی که ۲۶ کرسی به‌دست آورده بود، حضور فعالی داشته باشد. در نتیجه، انشقاق عبادی آرای حزب الدعوه را بسیار کاهش داد.

۲. نبود سازماندهی صحیح برای نسل نو در جامعه امروز عراق

حزب الدعوه در زمان تأسیس، به شکل دادن هسته‌های کوچک در بین نخبگان معروف شده بود. این روش برای حزب بعث بسیار نگران‌کننده بود. حزب الدعوه با کمک رهبران توانسته بود هسته‌های بسیار زیادی را در بین نخبگان تأسیس کند و در جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. اما پس از سال ۱۳۸۴، این روش حزب الدعوه کم‌رنگ شد و رهبران آن درگیر حکمرانی شدند و سازماندهی و تشکیل هسته‌های عقایدی و علمی در بین اقشار جامعه عراق کمتر دیده شد. به‌نظر می‌رسد حزب الدعوه در آینده، با بحران مدیریت جوانان در حزب روبه‌رو می‌شود و رهبران جوان کمتری به نسبت گذشته، در آن دیده خواهند شد. البته حزب الدعوه گروهی از جوانان به نام «گروه البشائر» را سازماندهی کرده است. اما این الگو و تأثیرگذاری آن، از هسته‌های معرفی و نخبگانی سال‌های اول تأسیس حزب، بسیار متفاوت است.

۳. اختلافات عمیق بین مالکی و صدر

اختلاف شدید بین دو رهبر سیاسی شیعه در عراق یکی از نکات بحرانی حزب الدعوه در آینده است. تنش و اختلاف بین مالکی و صدر پس از سال ۱۳۹۳، بیشتر خود را نشان داده است؛

به‌ویژه پس از نتایج انتخابات سال ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ که صدر توانسته است کرسی‌های بیشتری را در پارلمان عراق کسب کند. به نظر می‌رسد که در آینده نیز این بحران، حزب‌الدعوه را تحت تأثیر خود قرار دهد. همان‌طور که در بالا گفته شد، این اختلاف و درگیری به عملیات «صوله الفرسان»، درگیری بین حکومت مالکی و شبه‌نظامیان جریان صدر در سال مارس ۱۳۸۷، بازمی‌گردد. مالکی بارها تلاش کرده است تا این تنش را کاهش دهد. وی چندین بار در رسانه، از اتمام این تنش با صدر سخن گفته، اما تاکنون (سال ۱۴۰۱) محقق نشده است.

۴. تمرکز و اتکای حزب‌الدعوه به نوری مالکی

پس از سال ۱۳۸۴، اکثر احزاب سیاسی و نیز عامه مردم حزب‌الدعوه را به شخص نوری مالکی می‌شناسند؛ به طوری که در عراق جدید هویت حزب‌الدعوه به شخص نوری مالکی گره خورده است. نوری مالکی با قدرت خود توانسته است کاملاً بر حزب مسلط شود و رقبای خود را کنار بگذارد و با توجه به تنش‌ها و انشقاقات داخلی، قدرت خود را در حزب حفظ کند. این امر نگرانی‌هایی را برای طرفداران این حزب به وجود آورده است که آیا بعد از مالکی شخص دیگری قادر به ادامه فعالیت حزب و حفظ شاکله آن خواهد بود یا خیر.

۵. افزایش احزاب حکمران در عراق

در سال گذشته و پس از سال ۱۳۸۲، احزاب و شخصیت‌های حکمران در عراق بسیار کم بودند و چه‌بسا حزب‌الدعوه قشر نخبه گروه‌های سیاسی شیعه عراق را تشکیل می‌دادند. دلیل آن این بود که شخصیت‌هایی که به ایران و سوریه مهاجرت کرده بودند، اکثراً مشغول جهاد و تضعیف حزب بعث بودند. برای مثال، می‌توان به مجلس اعلی و گروه بدر اشاره کرد. از طرف دیگر، گروهی که در عراق مانده بودند، از جمله گروه صدر نیز حق تحصیل و فعالیت سیاسی نداشتند. در حالی که اعضای حزب‌الدعوه از قشر نخبگان جامعه عراق بودند و پس از خارج شدن از عراق، تحصیلات آکادمیک خود را ادامه دادند. این فرصت برای گروه‌های جهادی و داخلی ایجاد نشد. اما پس از سال ۱۳۸۲ تا ۱۴۰۱ بسیاری از احزاب، نخبگان زیادی را به خود جذب کردند و بسیاری از شخصیت‌ها توانستند احزاب سیاسی جدیدی تشکیل دهند و در عرصه سیاسی شیعه جایگاه ویژه‌ای داشته باشند.



نقاط ضعف حزب الدعوه	نقاط قوت حزب الدعوه
اختلافات و انشقاقات	ریشه تاریخی حزب الدعوه
نبود یک سازماندهی صحیح برای نسل	حزب الدعوه و سیدمحمدباقر صدر
اختلافات عمیق بین مالکی و صدر	خدمات حزب الدعوه به مردم
تمرکز و اتکای حزب الدعوه به نوری مالکی	ارتباط حزب الدعوه با جامعه نخبگانی
افزایش احزاب حکمران در عراق	استفاده از زیرساخت‌های دولتی
	ثبات حزب پس از سال 2003 میلادی
	ارتباط حزب الدعوه با گروه‌های انقلابی
	روحیه ملی‌گرایانه و عرب‌گرایانه نوری مالکی در چارچوب شیعه‌گرایی
	دارای عقلانیت حکمرانی در عراق
	ارتباطات منطقه‌ای با جریان‌های شیعه منطقه

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد نوری مالکی، رهبر حزب الدعوه، در ۲۰ سال گذشته به شخصیتی سیاسی و تأثیرگذار در عراق تبدیل شده است. او در جایگاه یک رهبر سیاسی مؤثر شیعه در عراق، نقش خود را در عرصه سیاسی به خوبی ایفا کرده و توانسته است حزب الدعوه را با فراز و نشیب‌هایی که داشته، به‌عنوان یکی از احزاب تأثیرگذار در عراق حفظ کند. به نظر می‌رسد حزب الدعوه به‌عنوان یک حزب ۶۵ ساله و شخص نوری مالکی پس از ۴۰ سال حضور فعال در عرصه‌های سیاسی عراق (داخل و خارج)، حذف‌شدنی نیست و با توجه به نقاط ضعف و قوتی که در بالا ذکر شد، همچنان این حزب به رهبری نوری مالکی به‌عنوان یکی از احزاب تأثیرگذار در عرصه سیاسی عراق نقش پررنگی خواهد داشت. با توجه به شخصیت‌ها و احزاب موجود در بین شیعیان عراق، حزب الدعوه شاخص‌های مثبت و

تمتایزی نسبت به سایر احزاب و شخصیت‌ها برای آینده دارد که عبارت‌اند از: تاریخی‌ترین حزب، دارای اسطوره، دارای شخصیت‌های پر نفوذ، دارای سرمایه اجتماعی، دارای تفکر و عقلانیت حکمرانی با سه رویکرد ملی‌گرایی - عرب‌گرایی - شیعه‌گرایی، دارای سیاست موازنه در سیاست‌های خارجی. به نظر می‌رسد قدرت حزب الدعوه در شخصیت نوری مالکی تعریف می‌شود و تازمانی که ایشان زنده باشد، حزب الدعوه نقش مؤثری در سیاست عراق خواهد داشت. اما با توجه به نقاط ضعفی که در بالا ذکر شد، به نظر می‌رسد پس از نوری مالکی، قدرت حزب الدعوه به شدت کاهش پیدا خواهد کرد و انشقاقات جدیدی در آن رخ خواهد داد. حزب الدعوه به رهبری مالکی در آخرین انتخابات در سال ۱۴۰۰ با فهرست ائتلاف دوله القانون توانست بیش از ۵۰۰ هزار رأی کسب کند. این در حالی است که سیدمقتدی صدر بیش از ۸۸۰ هزار رأی کسب کرد. درست است که کرسی‌های دوله القانون به رهبری مالکی در سال ۱۴۰۰ به نسبت ۱۳۹۷ افزایش پیدا کرده، آرای این حزب در مقایسه با سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳ به شدت کاهش یافته است. با توجه به سه نکته بسیار مهم زیر، حزب الدعوه بحران‌های مختلفی را در آینده تجربه خواهد کرد که می‌تواند بر نفوذ سیاسی این حزب تأثیر مستقیمی داشته باشد:

- ادامه تنش با سیدمقتدی صدر؛

- قدرت گرفتن احزاب جدید؛

- قانون جدید انتخابات.

از آنجا که سیدمقتدی صدر در دو انتخابات گذشته توانسته است آرای بسیار خوبی کسب کند، ادامه تنش بین صدر و مالکی می‌تواند نفوذ سیاسی حزب الدعوه را تحت تأثیر قرار دهد. از طرف دیگر، روی کار آمدن احزاب جدید شیعه در عراق می‌تواند قدرت و نفوذ احزاب سنتی شیعه را کاهش دهد و حزب الدعوه نیز از این قاعده مستثنی نیست. همچنین قانون جدید انتخابات تأثیری مستقیم در احزاب و ائتلاف‌های بزرگ گذاشته است. احزاب بزرگ و سنتی در انتخابات گذشته، امروز قدرت سابق خود را از دست داده‌اند و با توجه به قانون جدید انتخابات در سال ۱۴۰۰، افراد مستقل و گروه‌های کوچک می‌توانند تأثیری مستقیم روی قدرت احزاب عراق داشته باشند.

در نهایت، قدرت حزب الدعوه در آینده سیاسی عراق به وضعیت سیاسی این کشور بستگی دارد. امروز نسل جدید و مدرن عراق با نسل سنتی آن متفاوت است. در صورتی که

حزب الدعوه بتواند خود را با وضعیت مدنی و جدید عراق تطبیق دهد، می تواند تأثیر خود را در عرصه سیاسی حفظ کند. همچنین این حزب برای ادامه حیات و تأثیرگذاری در عرصه سیاسی عراق می بایست نقاط ضعف خود را اصلاح و نقاط قوتش را تقویت کند.



منابع و مأخذ

- موصلى، احمد، سيره و حياه الامام الخوئى، بيروت، دارالهادى، ۱۹۸۸.
- افشون، تورج؛ حزب الدعوة و أمريكا؛ تقابل يا تعامل، نشریه مطالعات راهبردى جهان اسلام، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۶۸
- عاملی، ج ۱، ص ۴۲۰ - ۴۲۵؛ حسینی، ص ۹۹ - ۱۰۰
- على مؤمن، ۲۰۰۴، ص ۸۵ - ۸۶؛ خراسان، ص ۱۲۱، ۱۳۵ - ۱۳۸؛ حزب الدعوة الاسلامیة، ۱۴۰۵ - ۱۴۰۹، ج ۳.
- على مؤمن، ۲۰۰۴، ص ۷۸، ۸۶ - ۸۷؛ عجلی، ص ۱۱۶ - ۱۱۷
- عادل رؤوف، ص ۲۵؛ خراسان، ص ۱۷۷ - ۱۷۹؛ على مؤمن، ۲۰۰۴، ص ۱۳۹ -
- ادیب و موسوی، ص ۴۶؛ على مؤمن، ۲۰۰۴، ص ۱۴۳ - ۱۵۰؛ شامی، ص ۱۵۰
- مباحث الاصول، سید کاظم حسینی حائری، چاپ ۱۴۰۷، قم، مقدمه، ص ۳۳
- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد* مصطفى قلیزاده، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ۱۳۷۲، ص ۱۸-۱۷.
- مباحث الاصول، سید کاظم حسینی حائری، چاپ ۱۴۰۷، قم، مقدمه، ص ۱۰۵ - ۱۰۷
- گفتگویی با سید محمد باقر مهری، ص ۵۹
- المدرسة القرآنیة، شهید صدر، ص ۲۳۹. مجموع آن چهارده جلسه درس تفسیر قرآن در کتاب «المدرسة القرآنیة» تدوین شده است
- على مؤمن، ۲۰۰۴، ص ۳۶۵؛ خراسان، ص ۳۹۹
- زهیر کاظم عبود، ص ۱۵ - ۱۶؛ طحان، ص ۳۶۲، ۳۶۹؛ على مؤمن، ۲۰۰۴، ص ۴۵۱ - ۴۵۳
- على مؤمن، ۲۰۰۴، ص ۳۶۱ - ۳۶۲؛ خراسان، ص ۴۰۹ - ۴۱۳؛ عادل رؤوف، ص ۴۳
- خراسان، ص ۴۰۹ - ۴۱۹؛ عادل رؤوف، ص ۴۲، ۴۴
- على مؤمن، ۲۰۱۱؛ «مجلس النواب العراقی»، ۲۰۱۲، «السیرة الذاتیة لرئیس الوزراء السید نوری کامل المالکی»
- «اتلاف دولة القانون بزعامة نوری المالکی»، ۲۰۱۲، عباس عبود سالم، ۲۰۱۰؛ «قائمة علاوی تحتل الموقع الأول فی الانتخابات العراقیة»، ۲۰۱۰
- الدلیمی، مصطفى (۲۰۲۲) : «حزب الدعوة" بالعراق مسیرة حافلة بالانشقاقات»
- طاهایی، علی (۱۳۹۸) : «یادداشت| دلایل ظاهری و اصلی اعتراضات و ناآرامی های اخیر عراق»

